

در حسرت روزی که ...



اگر فرزندی هستی در آغوش خانواده ای گرم، اگر دختری هستی پر از ناز و زیبایی و مغرور به محبوبیت، یا پسری نیرومند و پر جرئت و زیر سایه ی پدر و مادر زندگی می کنی؛ بدان که هم اکنون هستند کسانی که هم سن و سال تو اند، اما نه پدری برای خوشبختی شان تلاش می کند و نه مادری به عشقشان غذا می پزد. تنها سینه ای دارند مجروح از حسرتها و غمها و غصه ها.

اگر فرزندی هستی در آغوش خانواده ای گرم، اگر دختری هستی پر از ناز و زیبایی و مغرور به محبوبیت، یا پسری نیرومند و پر جرئت و زیر سایه ی پدر و مادر زندگی می کنی؛ بدان که هم اکنون هستند کسانی که هم سن و سال تو اند، اما نه پدری برای خوشبختی شان تلاش می کند و نه مادری به عشقشان غذا می پزد. تنها سینه ای دارند مجروح از حسرتها و غمها و غصه ها.

کودکانی هستند که مجبورند برای گذران زندگی در گرمای تابستان و سرمای زمستان مثل بزرگترها کار کنند، در حالیکه نه خسته شدنشان برای دیگران اهمیت دارد نه آرزوی بازی کردنشان، دل کسی را به رحم می آورد.

کودکانی که شاید پدر و مادر هم داشته باشند اما پدر و مادری که به مهربانی و دانایی پدر و مادر شما نیستند. هم اکنون کودکانی در جهان زندگی می کنند که رویای داشتن همان غذایی را دارند که سر سفره ی شماست. کودکانی در جهان زندگی می کنند که از ظلم و ستمها آسیب می بینند و رنج می کشند. شاید برای شما سخت باشد که بدانید هم اکنون در جهان کودکانی هستند که از انسانهای سنگدل کتک می خورند و درد می کشند در حالیکه هیچ دفاعی ندارند. بچه هایی که بعد از یک گریه ی طولانی به خواب می روند و وقتی از خواب بر می خیزند روزی تلخ تر از دیروز را آغاز می کنند. یک روز پر از ترس و سختی و مشقت ...

اما ...

اکنون، اگر آرزو کردید کودکی خسته و غمگین در جهان نباشد، اگر نفستان مثل آهی گرم از سینه برخاست، به مردی فکر کنید که به تمام مظلومین جهان وعده ی آمدنش را داده اند.

به زودی می رسد روزی که پدر مهربانی برای تمامی بچه های عالم از راه خواهد رسید. پدری که از تمام مادرهای دنیا مهربان تر است و در عین حال بسیار قدرتمند است و می تواند تمامی مشکلات را حل کند.

او کسی خواهد بود که وقتی به بچه ها محبت می کند، جهان را دوباره به یاد محبتهای کودک نواز حضرت علی علیه السلام خواهد انداخت. یعنی جهان دوباره خواهد دید: #171;مرد بزرگی که امپراطور جهان شده است، عار ندارد که در کوچه ها با بچه ها بازی کند و آنها را بر دوش خود سوار کند.»

روزی که او بیاید دیگر هیچ خرابه ای خانه ی بچه ها نخواهد بود و دست هیچ قلدر بی رحمی برای زدن کودکی بلند نخواهد شد و هیچ کودک فقیری در حسرت اسباب بازی به ویتترین مغازه ها خیره نگاه نخواهد کرد...

روزی که او بیاید آسمان آبی تر و زمین نرم تر از همیشه خواهد بود و هر مردی در کوچه و خیابان که ببینی از پدر، خوش اخلاقت تر و هر زنی از مادر، مهربانتر خواهد بود. آن روز دیگر یتیم و فقیر و مظلوم معنایی نخواهد داشت.

به امید آن روز...